

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۸ نومبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۱۱

مواد تاریخ

۱۴

در تعزیت میرزا جمال الدین

ای دریغ، که خیمه بیرون زد
از جهان، میرزا جمال الدین
آن، که همتای او به فضل و هنر
کس ندیده‌ست در شهر و سنین
آن، که بستان جود و بخشش را
کف او بود، ابر فروردین
ناگهان، در بهار هستی وی
مهرگان اجل، گشاده کمین
مرغ روحش ز آشیانه تن
کرد پرواز و گشت، بیدره نشین
دوستان از فراق صحبت وی
همه گشتند، سوگوار و حزین
ستم و جور آسمان بنگر
عادت و رسم روزگار، ببین

^۱ "شهر" کلمه عربی و در معنای "ماهها" - جمع "شهر" که در عربی "ماه را گویند" - و "سنین" نیز عربی و در معنای "سالها" ست - جمع "سن" که در عربی در معنای "سال" است.
^۲ ب. گشاده کمین

کز ره سفلگی چه گونه کند
لعل رخشان به خاک تیره، رهین
چه توان کرد، چاره روز نخست؟
عادت روزگار گشته، چنین
بهر تاریخ او بگو، یارب
باد ماوای وی، به خلد آبرین